

Gender Equality in the Mirror of the Iranian Constitutional Experts (A Analysis of the views of Constitutional Experts on the Equality of Men and Women)

Shakiba Fattahi Soltankouhi¹

Received: 10 January 2025

Arkan Sharifi²

Reception: 24 April 2025

Abstract:

Most written constitutions and human rights treaties explicitly emphasize equality in the rights of men and women, and even the Convention on the Elimination of All Forms of Discrimination Against Women, emphasizes that this should be incorporated in the constitutions and ordinary laws of the member states. However, the Constitution of the Islamic Republic of Iran only provides for equality between men and women in terms of legal protection and does not provide for equality in the rights. It seems that the wording of the constitution is consistent with this jurisprudential view that does not equate justice with equality and does not see a connection between the two.

Key words: equality in rights, equality in Laws concerning women's rights, Iranian Constitutional experts, justice

¹Master's degree in Public Law


²Assistant Professor, Law Department, Sanandaj Branch, Islamic Azad University

<http://doi.org/10.30510/pscci.2025.519793.1279>


برابری جنسیتی در آئینه خبرگان قانون اساسی

(تحلیل دیدگاه خبرگان قانون اساسی در خصوص برابری زن و مرد)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۲۱

شکیبا فتاحی سلطانکوهی 

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۱/۲۳

ارکان شریفی 

چکیده:

در اغلب قوانین اساسی مکتوب و همچنین میثاق های حقوق بشری به صراحت تأکید بر برابری در حقوق زن و مرد شده و حتی در میثاق رفع تبعیض علیه زنان تأکید شده است که بایستی این امر در متن قوانین اساسی و عادی کشورهای عضو تصریح گردد. علیرغم این موضوع قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران صرفاً برابری زن و مرد را از حیث حمایت قانونی پیش بینی کرده و به برابری در حقوق اشاره ای نشده است. با واکاوی مشروح مذاکرات خبرگان قانون اساسی دلایل تاریخی و لیدئولوژیکی چنین عبارت پردازی روشن می گردد که در این مقاله به تفصیل به آن پرداخته شده و نظر سه گروه از اعضای خبرگان تشریح و تفصیل گردیده است و به نظر می رسد عبارت پردازی قانون اساسی با این دیدگاه فقهی مطابقت دارد که عدالت را مساوی با برابری ندانسته و ملازمه ای بین این دو نمی بیند.

کلمات کلیدی: برابری در حقوق، برابری در مقابل قانون، حقوق زنان، خبرگان قانون اساسی، عدالت

^۱دانش آموخته کارشناسی ارشد حقوق عمومی shakibafattahi69@gmail.com

^۲استادیار گروه حقوق واحد سنندج دانشگاه آزاد اسلامی arkansharifi@iau.ac.ir

مقدمه:

در مقدمه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به طور ویژه به مسأله زن و جایگاه خاص آن در قانون اساسی و جامعه اسلامی اشاره شده است. در بخشی از مقدمه در ذیل عنوان زن در قانون اساسی چنین آمده است: «در ایجاد بنیادهای اجتماعی اسلامی، نیروهای انسانی که تاکنون در خدمت استعمار همه جانبه خارجی بودند هویت اصلی و حقوق انسانی خود را باز می یابند و در این بازیابی طبیعی است که زنان به دلیل ستم بیشتری که تاکنون از نظام طاغوتی متحمل شده اند استیفای حقوق آنان بیشتر خواهد بود» در ادامه این متن پس از تبیین خانواده به عنوان واحد بنیادین جامعه و کانون اصلی رشد اشاره شده که «زن در چنین برداشتی از خانواده از حالت «شیء بودن» و یا ابزار کار بودن در خدمت اشاعه مصرف زدگی و استعمار خارج شده و ضمن بازیافتن وظیفه خطیر و پر ارج مادری در پرورش انسان های مکتبی پیش آهنگ خود هم‌رزم مردان در میدان های فعال حیات می باشد و در نتیجه پذیرای مسئولیتی خطیرتر و در دیدگاه اسلامی برخوردار از ارزش و کرامتی والاتر خواهد بود».

در متن قانون اساسی نیز در اصول متعددی به زنان و حقوق آنان پرداخته شده است و در مهم ترین اصل (۲۰) قانون اساسی به مسأله برابری زنان پرداخته است به موجب این اصل «همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند». با دقت در مفاد این اصل و مشروح مذاکرات خبرگان قانون اساسی کاملاً واضح است که نویسندگان قانون اساسی ابا داشته اند که از اصطلاح برابری زن و مرد در حقوق استفاده نمایند و به جای آن از اصطلاح «یکسان در حمایت قانون» قرار دارند استفاده نموده که با بررسی مشروح مذاکرات مشخص می گردد که این رویکرد در قانون اساسی عامدانه برگزیده شده است و پرده از نگاه سنت محور اکثریت نویسندگان و به اصطلاح خبرگان قانون اساسی برمی دارد. چرا که اکثریت مجلس با برابری در حقوق زن و مرد موافقت نداشته و برای طفره رفتن از آن ادبیات مذکور را برگزیده اند.

در این مقاله برآنیم تا با تحلیل مشروح مذاکرات و نگاه مخالفان و موافقان به موضوع حقوق زنان، جهان بینی خبرگان قانون اساسی و نوع نگاه آنان را به موضوع مورد واکاوی قرار دهیم.

۱- اصول مرتبط با حقوق زنان در قانون اساسی

علاوه بر مقدمه قانون اساسی که در بخش مقدمه بدان پرداختیم در اصول متعدد قانون اساسی به طور مستقیم به زنان و حقوق آنان پرداخته شده است. از جمله

این موارد می‌توان به بند ۱۴ اصل سوم اشاره کرد که در آن یکی از اهداف دولت جمهوری اسلامی ایران را تأمین حقوق همه جانبه افراد اعم از زن و مرد و ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون دانسته است. همانطور که در مقدمه نیز اشاره شد در اصل بیستم قانون اساسی بدون تصریح بر برابری زن و مرد صرفاً آن‌ها را به طور یکسان در حمایت قانون قرار داده است. مفصل‌ترین اصل قانون اساسی در خصوص زنان اصل ۲۱ است که این چنین تصریح نموده است: «دولت موظف است حقوق زن را در تمام جهات با رعایت موازین اسلامی تضمین نماید و امور زیر را انجام دهد:

۱- ایجاد زمینه‌های مساعد برای رشد شخصیت زن و احیاء حقوق مادی و معنوی او؛
 ۲- حمایت مادران بالخصوص در دوران بارداری و حضانت فرزند و حمایت از کودکان بی سرپرست؛
 ۳- ایجاد دادگاه صالح برای حفظ کیان و بقای خانواده؛
 ۴- ایجاد بیمه خاص بیوگان و زنان سالخورده و بی سرپرست؛
 ۵- اعطای قیمومت فرزندان به مادران شایسته در جهت غبطه آنها در صورت نبودن ولی شرعی».

۲- عدم تصریح تبعیض جنسیتی در اصل ۱۹

اصل ۱۹ قانون اساسی تصریح نموده است: «مردم ایران از هر قوم و قبیله ای که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند اینها سبب امتیاز نخواهد بود» همانطور که در این اصل قابل مشاهده است این که جنسیت را مشمول موارد تبعیض ندانسته است و این در حالی است که در گذشته تاریخی ایران غالباً رنگ، نژاد و زبان موجب تمایز در حقوق نبوده و جنسیت و عقاید دینی از موجبات تمایز در حقوق بوده است که هر دو این موارد به طور عامدانه در اصل مذکور مورد توجه قرار نگرفته اند.

۳- تصریح بر برابری زن و مرد در قوانین اساسی کشورهای غیراسلامی

به دلایل تاریخی و واقعیت‌های جامعه شناسی که مؤید اجحاف علیه زنان در طول تاریخ است. قوانین اساسی اکثر کشورهای دنیا به طور صریح بر برابری در حقوق زن و مرد تأکید نموده اند. اصل ۳ قانون اساسی آلمان این گونه بر این برابری پرداخته که مردان و زنان حقوق مساوی دارند. در قانون اساسی ایالات متحده آمریکا در بخش ۱ اصلاحیه ۱۹۷۱ پیشنهادی این چنین تصریح شده است. «تساوی حقوق قانونی را ایالات متحده یا هیچ یک از ایالتها براساس جنسیت [افراد] نفی یا محدود نمی‌کند.»

اصل ۱۰ قانون اساسی بلژیک در این خصوص چنین اشعار داشته است «اتباع بلژیک در برابر قانون مساوی هستند؛ برابری زنان و مردان تضمین شده است.»

اصل ۳ قانون اساسی ایتالیا مقرر داشته است: «کلیه اتباع از شأن اجتماعی یکسان برخوردار می باشند و بدون هیچ گونه تبعیض از نظر جنس، نژاد، زبان، مذهب، عقاید سیاسی و شرایط شخصی و اجتماعی در برابر قانون مساوی می باشند.»

ماده ۸ قانون اساسی فدرال سوئیس در خصوص منع تبعیض و برابری این چنین تصریح نموده است: «۲- به هیچ کس تبعیض نخواهد شد به ویژه به لحاظ تبار، نژاد، زن یا مرد بودن، سن، زبان، مقام اجتماعی، روش و شیوه زندگی، مذهب، افکار و عقاید فلسفی یا سیاسی یا معلولیت های بدنی یا روانی ۳- مردان و زنان از حقوق متساوی بهره مندند. قوه قانون گذاری تساوی را چه در حکم و چه در موضوع به ویژه به لحاظ خانواده، تحصیلات و شغل تضمین خواهد کرد. زنان و مردان از حقوق متساوی در دریافت دستمزد مساوی در کارهای واجد ارزش مساوی برخوردار خواهند شد.» (اکبری، سید حامد، متن قوانین اساسی کشورهای جهان، ۱۳۹۰)

۴- برابری از حیث جنسیت در قوانین اساسی کشورهای اسلامی

با بررسی برخی از قوانین اساسی کشورهای اسلامی نحوه تأکید بر برابری متفاوت از کشورهای غیراسلامی است و برابری به شرط عدم مغایرت با قوانین و شریعت اسلامی پذیرفته شده است. لیکن برخی دیگر از آنها این برابری به صورت مطلق و بی قید و شرط آمده است. به عنوان نمونه به موجب اصل ۱۲ قانون اساسی جمهوری عربی مصر «حکومت موظف است هماهنگی بین وظایف در قبال خانواده و کار در جامعه را تضمین نماید و تساوی حقوق زنان و مردان در مسائل اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی را بدون آنکه خدشه ای به قوانین شریعت اسلام وارد شود، برقرار نماید». به نظر می رسد نویسندگان قانون اساسی مصر نیز با نظریه پردازان و فقهای هم نظرند که مساوات را در قالب عدالت تعبیر می کنند و از این حیث با قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تشابه فکری دارند.

اصل ۸ قانون اساسی مراکش با تأکید بر برابری در حقوق سیاسی زن و مرد تصریح می نماید: «زن و مرد از حقوق سیاسی یکسان برخوردارند.»

اصل ۸ قانون اساسی نیجر مقرر داشته است: «جمهوری نیجر یک حکومت قانونی است. جمهوری همچنین برابری در مقابل قانون را بدون تمایز جنسی، اصالت اجتماعی، نژادی، قبیله ای یا دینی برای همه تضمین می کند.»

اصل ۲۹ قانون اساسی الجزایر مقرر نموده است: «کلیه اتباع بدون هیچ گونه تبعیض به لحاظ تولد، نژاد، جنسیت، اعتقاد یا در هر شرایط یا موقعیت مشخص

یا اجتماعی دیگر در مقابل قانون با هم برابرند.»

ماده ۱۷ قانون اساسی تاجیکستان تصریح نموده است: «در نزد قانون و دادگاه همه با هم برابرند. دولت با هرکس بدون توجه به ملیت آن نژاد، جنس، زبان، اعتقادات دینی، سیاسی، وضعیت های اجتماعی و تحصیلی و وضعیت های حقوقی آزادانه را تضمین می کند. مردان با زنان نیز دارای حقوق برابر می باشند.» (همان، ۱۳۹۰) لازم به یادآوری است که اکثر کشورهای اسلامی ادعای تشکیل دولت اسلامی را نداشته و بعضاً دارای حکومت های سکولار هستند.

۵- برابری جنسیتی در اسناد بین المللی

به موجب ماده ۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر تمام انبای بشر در حرمت و حقوق با هم برابرند و به موجب ماده ۲ این سند همه انسان ها بی هیچ تمایزی از حیث جنسیت و غیره سزاوار تمام حقوق و آزادی های مصرح در این اعلامیه هستند. همچنین ماده ۷ اعلامیه مذکور تصریح نموده است همه در برابر قانون برابرند. به علاوه به موجب ماده ۳ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی مصوب ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶: «دولت های طرف این میثاق متعهد می شوند که تساوی حقوق زنان و مردان را در استفاده از حقوق مدنی و سیاسی پیش بینی شده در این میثاق تأمین کنند.»

همچنین بند ۲ ماده ۲ میثاق بین المللی حقوق اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی مصوب ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶ مقرر نموده است: «کشورهای طرف این میثاق متعهد می شوند که اعمال حقوق مذکور در این میثاق را بدون هیچ نوع تبعیض از حیث نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، عقیده سیاسی یا هرگونه عقیده دیگر، اصل و منشأ ملی یا اجتماعی، ثروت، نسب یا هر وضعیت دیگر تضمین نمایند.» در ماده ۳ میثاق مذکور نیز در باب برابری زن و مرد اینچنین تصریح گردیده است: «کشورهای طرف این میثاق متعهد می شوند که تساوی حقوق مردان و زنان را در استفاده از کلیه حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مقرر در این میثاق تأمین نمایند.»

لازم به ذکر است که ایران در زمان حکومت سابق به هر دو این میثاق های حقوق بشری و اعلامیه حقوق بشر پیوسته است.

مهم ترین سندی که به طور خاص در سطح بین المللی به تساوی زنان و مردان و به طور کلی به حقوق زنان پرداخته کنوانسیون رفع کلیه تبعیضات علیه زنان مصوب ۱۹۷۹ است.

به موجب ماده ۱ کنوانسیون مذکور: «واژه تبعیضات علیه زنان در این کنوانسیون به معنی قائل شدن هرگونه وجه تمایز، قائل شدن استثناء یا محدودیتی براساس

جنسیت است که بر برسمیت شناختن آزادی های اساسی زنان، حق بهره وری و رعایت حقوق بشر در مورد آنها در زمینه های سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگ و مدنی یا سایر موارد بدون توجه به وضعیت تأهل آنان و مساوات حقوق زن و مرد خلل و آسیب وارد کند.»

در ماده ۲ کنوانسیون مذکور نیز دول عضو را مکلف نموده است که متعهد می باشند اصل مساوات زن و مرد را در قوانین اساسی و سایر قوانین خود بگنجانند.

۶- برابری زن و مرد در نخستین پیش نویس های قانون اساسی

در نخستین پیش نویس رسمی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، برابری زن و مرد در برابر قانون در اصل ۲۳ به این شکل آمده بود «افراد ملت اعم از زن و مرد از لحاظ آزادی و حیثیت و حقوق اجتماعی در برابر قانون مساوی هستند.» (سید ناصر سلطانی، اسناد قانون اساسی، ص ۱۷۵۷) در اصل ۲۲ متن پیش نویس دولت موقت نیز این چنین تصریح شده بود که «همه افراد ملت اعم از زن و مرد در برابر قانون مساوی هستند.»

متن پیش نویس اصل ۲۵ مطروحه در مجلس خبرگان این چنین بود: «همه افراد ملت اعم از زن و مرد به طور مساوی در حمایت قانون قرار گرفته و از حقوق کامل سیاسی، اقتصادی، اداری، مدنی، اجتماعی و فرهنگی طبق مقررات شرع که متناسب با استعدادها و زمینه های طبیعی و عاطفی و روحی هرکدام است برخوردارند.» این اصل در جلسه ۲۴ در تاریخ ۲۷ شهریور ماده ۱۳۵۸ مطرح گردید و به دلیل وجود ابهامات و مخالفت های فراوان تصویب آن به جلسات بعد موکول شد و اصل مذکور جهت اصلاح به گروه مشترک بازگردانده شد.

۷- دیدگاه مخالفان اصل برابری

با بررسی و تحلیل مشروح مذاکرات مجلس خبرگان قانون اساسی می توان بین دو گروه مخالفان و موافقان مشروط و موافقان مطلق تفکیک و تمایز قائل گردید. یکی از مخالفان سرسخت در این زمینه فاتحی است که از همان ابتدا به صراحت مخالفت خود را با وجود چنین اصلی در قانون اساسی آشکار می نماید. ایشان با استناد به آیات قرآن برابری زن و مرد را خلاف شرع و نص صریح آیات می داند. این عضو خبرگان در این خصوص می گوید: «در این اصل که به این صورت تنظیم شده، همه افراد ملت اعم از زن و مرد به طور مساوی در حمایت قانون قرار گرفته اند. در قرآن کریم خداوند متعال می فرماید: «ولا تتمنو ما فضل الله به بعضکم علی بعض للرجال نصیب مما اکتسبو و للنساء نصیب مما اکتسبن» شأن نزول آیه درباره این است که یک عده ای از زن ها آمدند پیش ام سلمه که ما از بعضی مزایا در اسلام محروم هستیم، از جمله در جهاد شرکت نمی کنیم و در

ارث سهم ما نصف مرد است و همچنین بعضی مسائلی که بعضی دوستان و برادران هم تذکر دادند مانند موضوع قضاوت و ولایت و حکومت که تقریباً در اسلام مسلم است که به زن داده نشده است. غرض این کلمه مساوی است که تفاوت دارد با جملات بعد و می گوید زن و مرد به طور مساوی البته این ها ممکن نیست. گفته شده همه افراد اعم از زن و مرد به طور مساوی در حمایت قانون قرار گرفته اند این عبارت « به طور مساوی در حمایت» در اسلام بین زن و مرد یک امتیازهایی است وقتی کلمه مساوی را گفتیم با «طبق مقررات شرع» نمی خواند و با هم تطبیق نمی شود یعنی بین اوائل و اواخر کلام یک موضوع تعارض وجود دارد زیرا مقررات شرع می گوید متساوی نیست. شما اول گفتید متساوی در حمایت قانون که علاوه بر متساوی دوباره حمایت هم کرده اید اگر می گفتید «در برابر قانون» بهتر بود. اما می گویند قانون هم از تساوی او حمایت می کند ولی هرگز اسلام از تساوی زن و مرد به این طریقی که به عرض رساندم و در این مسائلی که تذکر داده شد حمایت نمی کند. (صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۴، ص ۶۱۸، ج اول)

از دیگر مخالفان تأکید بر برابری و حمایت قانون از زنان مولوی عبدالعزیز است که در پاسخ به موافقان این اصل می گوید: « شما باید قاطع صحبت کنید، زن ها را هم اگر می خواهید راضی کنید خدا را هم راضی کنید. آخر در چارچوب اسلام صحبت کنید چرا لنگ لنگان و با احتیاط راه می روید؟» و دکتر باهنر در جواب ایشان می گوید: « ما تند و قاطع و طبق موازین اسلامی راه می رویم اما اینکه رمز مسایل در اینجا تبیین نمی شود مثل سایر اصول است. اینجا قانون اساسی مطرح است و ما زمینه و پشتوانه های حقوق را می گوئیم و ریز مسائل در قانون مدنی و مجلس شورای ملی تبیین و توضیح داده می شود.» (همان، ص ۶۲۵)

از دیگران مخالفان درج برابری رحمانی است که در جلسه مجلس خبرگان دلایل مخالفت خود را اینچنین بیان داشته است: «خوب همان مسائلی که مورد اختلاف است که آن مسایل مورد اختلاف در اسلام یکی و دو تا نیست به جهت اینکه حدود قصاص و دیات و همچنین نکاح و طلاق و ارث و امور دیگر، اینها چیزهایی است که بینشان تفاوت‌هایی است و این از همه حقوق انسانی یعنی همه حقوق اسلامی را گذاشته و شرح داده‌اید سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی این مطلب صحیح نیست مگر اینکه گفته شود نگفته ایم به طور مساوی ... در این جمله که همه از حقوق انسانی و اقتصادی و سیاسی و اجتماعی و فرهنگی برخوردارند راجع به اصل حقوق است آنگاه تساوی روی حقوق می آید

آن وقت نقطه نظر اینجانب که تساوی حقوق به معنی تساوی در همه حقوق است یا در بعضی حقوق اگر تساوی در تمام حقوق است پس اشکال در اموری پیش می آید که اصلاً تساوی وجود ندارد آن قسمت های مهم از فقه را امور اجتماعی و سیاسی و غیره تشکیل می دهد و اگر بعضی حقوق است پس آن حقوق را که استثناء دارد چگونه خارج دانسته ایم به چه عبارت؟ عبارت موهوم و مبهم است و قابل رأی نیست (همان، ص ۶۹۳).

یکی دیگر از مخالفان برابری مرد و زن موسوی تبریزی است. ایشان در این باب چنین معتقد است «در این اصل که از اصول تنظیم شده در گروه ۳ می باشد همه افراد ملت اعم از زن و مرد به طور مساوی در حمایت قانون قرار گرفته اند. تا این جای این اصل هم مطابق با موازین اسلامی است و هم مطابق با موازین انسانی که من فکر می کنم هیچ اشکالی نداشته باشد زیرا زن و مرد در برابر قانون یکسان هستند. منتها اینکه حق زن در قانون و یا حق مرد در قانون چیست مطلب دیگری است.» (همان، ص ۶۱۵) ایشان که ظاهراً یکی از اعضای کارگروه ۳ بوده است در ادامه توضیحات خود می افزاید که برای اینکه شبهه برابری در حقوق پیش نیاید مطابق موازین اسلام و شرع را در متن گنجانده ایم.

۸- موافقان برابری در مقابل قانون

اکثریت اعضاء خبرگان از چنین رویکردی دفاع کرده و این چنین استدلال نموده اند که چون به موجب اصل ۴ قانون اساسی قوانین مطابق شرع خواهند بود بنابراین در خود قوانین موضوعه حقوق زنان و مردان براساس موازین شرع تصویب می گردد و جای نگرانی در اینکه موازین شرع با اصل پیشنهادی نادیده گرفت شود وجود ندارد. دکتر باهنر از حامیان این رویکرد است ایشان در تبیین دیدگاه خود می گوید: «یکی اینکه گفته شد چرا مسأله حمایت از قانون به جای برابر گذاشته شده البته ما بیشتر دوست داریم کلمه برابر گذاشته شود منتها چون بعضی از افراد گروه می گفتند که شاید شائبه این باشد که منظور از برابر آیا برابری حقوق است، این بود که حمایت گذاشته شد. من تصور می کنم اگر چنانچه اصراری باشد که در برابر گذاشته شود ما هم قبول می کنیم و ما اصرار نداریم که از کلمه «حمایت» دفاع کنیم اما این را توضیح بدهم که روی این موضوع خیلی مفصل بحث شد که همه در برابر قانون مساوی هستند نه قانون درباره همه افراد ممکلت یکسان است. این که قانون چیست در جایی دیگر تعیین می شود اینجا فقط بحث این است که قانونی که درباره هر فردی و یا هر قشری وجود دارد آن فرد باشد در برابر قانون مساوی هست و اگر بناست اجرا بشود در مورد همه یکسان اجرا می شود.» (همان، ص ۶۲۲)

ایشان در ادامه برای قانع کردن نمایندگان مخالف می گوید: «بنابراین مفهوم حقوق کامل سیاسی اسلامی و یا حقوق کامل اقتصادی اسلامی، یعنی وقتی مقررات شرع را در آخرین جمله آوردیم معنایش این می شود که زن و مرد از حقوق کامل اقتصادی، شرعی و حقوقی کامل اداری شرعی برخوردار هستند و هیچ منافاتی با هیچ مسأله ای ندارد (همان ص ۶۲۳) در پاسخ به این استدلال دکتر باهنر، خاتمی که از مخالفان مطلق این اصل است اظهار داشته است: «وقتی در اسلام شهادت دو زن برابر یک مرد است شما چطور می خواهید بگویید زن و مرد از جمیع جهات برابر هستند؟» (همان ص ۶۲۴) از دیگر اعضاء خبرگان که با تفکیک میان تساوی و عدل به تبیین این موضوع پرداخت است کیاش است که در این خصوص این چنین بیان داشته است: «شاید اصراری که ما در این اصل داریم این است که می خواهیم یک کلمه برابر در آن بگنجانیم به این خاطر که تصور می کنیم برابری عدل است. مرحوم شهید مطهری عدل را که معنی می فرماید عدل آن حقوق متساوی است در استحقاق های متساوی اگر ما در استحقاق های متساوی امور مساوی را در نظر بگیریم کاملاً این عدل رعایت شده است و اگر هم بگوئیم این عدل نابرابر یا نامساوی است کسی ناراحت نمی شود برای اینکه معنای عدل را فهمیده است. پس طی این اصل باید حقوقی که خداوند به زن و مرد داده بررسی شود و در عین حال آن چیزی را که مردم می خواهند به آنها تفهیم بشود و آن تصویری را که مردم دارند و خیال می کنند زن ضعیف است از بین برود و اگر شرع مقدس اینها را از امتیازاتی محروم کرده است لطفی است که شرع مقدس اسلام درباره زن تعیین کرده و کاملاً می توانیم به صراحت بگوئیم که در بعضی از موارد چون حقوقشان متساوی نبوده و استحقاقشان مساوی نبوده پس حقوق مساوی ندارند». (همان، ص ۶۲۷)

۹- موافقان برابری در حقوق

این گروه بسیار اندک هستند و نظر آنان در مجلس خبرگان فاقد اثربخشی لازم است. لیکن در پاره ای موارد دیدگاه های خود را بیان داشته اند. نماینده کلیمیان یکی از موافقان برابری زن و مرد در تمام حقوق و شئون است. ایشان وقتی اصل جهت رأی گیری مطرح می شود پیشنهاد خود را اینگونه طرح نموده است: «بنویسید از حقوق برابر در مقابل قانون برخوردارند». پس از قرائت و پیشنهاد ایشان به تعبیر مشروح مذاکرات عده کمی دست بلند کردند. (همان، ص ۶۲۶)

یکی دیگر از نمایندگان مراغه ای است که پیشنهاد وی این متن بود «همه افراد ملت از نظر حقوق سیاسی و اجتماعی در مقابل قانون برابرند». (همان، ص ۶۲۷)

نتیجه گیری:

همان طور که ملاحظه شد، خبرگان قانون اساسی در موضوع برابری جنسیتی، به برابری در حقوق آنان اعتقادی نداشتند و متن نهایی اصل نیز پس از بحث و بررسی های بسیار این چنین به تصویب رسید: «همه افراد اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلامی برخوردارند.» که به بیان صورت مشروح مذاکرات با ۳ تکبیر در جلسه ۲۷ با ۵۸ رأی موافق و ۴ رأی مخالف و ۵ رأی ممتنع به تصویب رسید. (همان، ص ۶۹۴)

در همان دوران تصویب این اصل در قانون اساسی عده ای بر این موضوع توجه دقیقی داشتند که تساوی زن و مرد در برابر قانون الزاماً تساوی در حقوق نیست. روزنامه آیندگان با اشاره به نامه ای که از سازمان زنان حزب ایران به نخست وزیر این چنین آورده است: «در قسمت دیگری از این نامه درباره حقوق زن در قانون اساسی آمده است: «اصل ۲۲ پیش نویس قانون اساسی مقرر می دارد: همه افراد ملت اعم از زن و مرد در برابر قانون مساوی اند. انتقاد وارد بر اصل ۲۲ این است که تساوی در برابر قانون الزاماً تساوی در حقوق نیست. تساوی حقوق برای کلیه افراد صرف نظر از جنس، نژاد و فرهنگ و تحصیلات و ثروت ... می بایستی تضمین گردد و برای آنکه مبدا حقوق زنان دستخوش تغییرات ناصحیح از برخی اصول قانون اساسی گردد و حقی از آن ها تضییع نشود باید پیش بینی کرد که هیچ یک از اصول قانون اساسی یا قوانین دیگر نمی تواند ناقض تساوی حقوق افراد باشد. (سلطانی، سید ناصر، همان ص ۱۷۲).

در روزنامه اطلاعات سه شنبه ۹ مرداد ۱۳۵۸ درباره حقوق زنان به نقل از ۴ سازمان زنان به نقد و بررسی حقوق زنان در ذیل «حقوق زن در پیش نویس قانون اساسی نادیده گرفته شده است» پرداخته و در خصوص اصل ۲۲ پیش نویس نقد سازمان زنان را این طور بیان نموده است: «تساوی در برابر قانون به معنای تساوی در حقوق نیست. باید متذکر شد که در پیش نویس قانون اساسی در هیچ کجا تساوی حقوق زن و مرد را تضمین نکرده است. اصل پیشنهادی ما در این مورد عبارت است از «همه ی افراد ملت صرف نظر از جنسیت دارای حقوق مساوی اجتماعی، اقتصادی و سیاسی می باشند». (سلطانی، همان، ص ۸۹۶)

بنابراین همانطور که در این مقاله بررسی شد اعضای خبرگان قانون اساسی با تفکیک میان موضوع برابری در حقوق و برابری در حمایت قانون قرار داشتن، شیوه نگارش دوم را مغایر شرع ندانسته و با چنین عبارت پردازی به خیال خود

هم به طور ظریف به برابری جنسیت اشاره نموده اند و هم به موازین بعضاً تبعیض آمیز شرع در این خصوص احترام گذارده اند و این نکته ای است که برخی از فعالان سیاسی و اجتماعی به خوبی به آن توجه کرده و آن را در مقالات و بیانیه هایی به طور جسسته و گریخته ابراز و مخالفت خود را با چنین موضعی اعلام نموده اند.

این در حالیست که حتی در قانون اساسی افغانستان قبل از به قدرت رسیدن حکومت طالبان به نحو روشن تری از قانون اساسی جمهوری اسلامی به مسأله تساوی زن و مرد پرداخته شده است. به موجب ماده ۲۲ قانون اساسی مذکور «هر نوع تبعیض و امتیاز بین اتباع افغانستان ممنوع است. اتباع افغانستان اعم از زن و مرد در برابر قانون دارای حقوق و جایگاه مساوی می باشند.»

با توجه به تحلیل و بررسی نظرگاه های مختلف در باب برابری و نحوه عبارت پردازی این مقوله در قانون اساسی به نظر می رسد نویسندگان قانون اساسی عدالت را ارجح بر تساوی در حقوق زنان دانسته اند و در واقع هرگونه تضمین حقوق زنان را در گرو تحقق عدالت در این زمینه دانسته اند.

منابع و مأخذ:

- ۱- صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، انتشارات مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۴، جلد اول
- ۲- سلطانی، سیدناصر، اسناد قانون اساسی، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۹۷
- ۳- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
- ۴- قانون اساسی ایالات متحده آمریکا
- ۵- قانون اساسی ایتالیا
- ۶- قانون اساسی فدرال سوئیس
- ۷- قانون اساسی آلمان
- ۸- قانون اساسی جمهوری عربی مصر
- ۹- قانون اساسی مراکش
- ۱۰- قانون اساسی نیجر
- ۱۱- قانون اساسی تاجیکستان
- ۱۲- قانون اساسی افغانستان
- ۱۳- اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب ۱۹۴۸
- ۱۴- میثاق حقوق مدنی و سیاسی مصوب ۱۹۶۶
- ۱۵- کنوانسیون رفع کلیه تبعیضات علیه زنان مصوب ۱۹۷۹
- ۱۶- هفته نامه آیندگان، بی تاریخ
- ۱۷- روزنامه اطلاعات، ۹ مرداد ۱۳۲۸
- ۱۸- اکبری، سیدحامد، متن قوانین اساسی کشورهای جهان، انتشارات نوید شیراز، ۱۳۹۰
- ۱۹- فتاحی سلطانکوهی، شکیبیا، بی اعتباری گفتمان حقوق مدرن در سنجش جایگاه زن در جامعه سنتی ایران، فصلنامه تحولات سیاسی اجتماعی معاصر و ایران- آذرماه ۱۴۰۲

استناد:

فتاحی سلطانکوهی، شکیبیا، شریفی، ارکان. برابری جنسیتی در آئینه خبرگان قانون اساسی (تحلیل دیدگاه خبرگان قانون اساسی در خصوص برابری زن و مرد). فصلنامه تحولات سیاسی اجتماعی معاصر ایران 1404
<http://doi.org/10.30510/pscci.2025.519793.1279>